



کوتاه از جامعه

ظرفیت پذیرش غیرانتفاعی‌ها کم می‌شود

فرزاد شمیرانی، مدیرکل دفتر آموزش عالی غیردولتی وزارت علوم از کاهش ظرفیت پذیرش دانشجو در موسسات غیرانتفاعی خبر داد و گفت؛ پذیرش براساس امتیازات رتبه‌بندی خواهد بود. وی با اشاره به بخشنامه وزارت علوم درباره تناسب تعداد دانشجویان نسبت به اعضای هیأت علمی افزود؛ براین اساس دانشگاه‌های غیرانتفاعی که طبق رتبه‌بندی، امتیاز کافی را کسب نکنند ۸۰ درصد سال قبل دانشجو پذیرش می‌کنند و اگر در رتبه بندی امتیازی بالاتر از ۸۰ درصد کسب کرده باشند، می‌توانند همان تعداد دانشجویی را که برای آنها مشخص شده بود، پذیرش کنند./ مهر

تهران نیازمند ۲۰ میلیون دوز واکسن کرونا

جلیل کوهپایه‌زاده، رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران گفت: در استان تهران حدود ۱۰ میلیون نفر داوطلب واکسیناسیون کرونا وجود دارد و با توجه به دستورالعمل تزریق دو دوز واکسن برای هر فرد، ۲۰میلیون دوز واکسن نیاز است. وی با بیان این‌که در روزهای آینده با حجم زیادی از مراجعه برای دریافت واکسن مواجه می‌شویم، افزود؛ واکسیناسیون سالمندان بالای ۸۰ سال در دانشگاه علوم پزشکی ایران آغاز شده و سایر گروه‌های سنی نیز به مرور به جمع مراجعه‌کنندگان مراکز بهداشت اضافه می‌شوند. کوهپایه‌زاده عنوان کرد: درحال حاضر دغدغه نبود واکسن نداریم و از این فرصت باید برای پوشش سریع و حداکثری واکسیناسیون بر اساس اولویت‌های اعلام شده از سوی وزارت بهداشت اقدام کنیم./ مهر

اتمام فاز اول تست انسانی واکسن کرونای فخر



احمد کریمی، مدیر پروژه واکسن فخر با بیان این‌که دیروز تزریق فاز اول کارآزمایی واکسن فخر به پایان رسید، گفت: پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها وارد فاز دوم خواهیم شد. وی افزود؛ پروتکل‌های مربوط به آغاز فاز دوم واکسن فخر به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور ارسال شده است و پس از اخذ مجوزهای لازم از این وزارتخانه مرحله دوم تزریق واکسن را بعد از ماه مبارک رمضان آغاز خواهیم کرد. کریمی با بیان این‌که در مرحله نخست، تزریق واکسن به ۱۳۵ داوطلب انجام شد، عنوان کرد؛ در مرحله نخست ۱۷ هزار نفر از اقصی نقاط کشور برای تزریق واکسن ثبت‌نام کردند که از این تعداد ۳۵۰۰ نفر از طریق سایت پذیرش و ۴۹۵ نفر وارد مرحله غربالگری شدند. به گفته وی در نهایت تیم بالینی ۱۳۵ نفر را برای تزریق انتخاب کرد که خوشبختانه حال عمومی هر ۱۳۵ نفر مساعد است./ تسنیم

بی‌میلی وزارت بهداشت به امتحانات حضوری

سیما لاری، سخنگوی وزارت بهداشت در واکنش به برگزاری حضوری امتحانات نهایی گفت: گرچه این امتحانات در پایه‌های تحصیلی آینده دانش‌آموزان موثر است، اما سلامت دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها بسیار مهم‌تر است. وی با اشاره به احتمال حضوری بودن امتحانات نهایی مدارس در پاندمی کرونا بیان کرد؛ تصمیم‌گیری در خصوص امتحانات نهایی به عهده ستاد ملی مقابله با کرونا و وزارت آموزش و پرورش است، اما آنچه مدنظر وزارت بهداشت است، رعایت فاصله‌گذاری و پرهیز از تجمع در فضای بسته و بدون تهویه مناسب است. لاری افزود؛ برگزاری امتحانات به هرحال منوط به تصمیم‌گیری در ستاد ملی مقابله با کرونا خواهد بود، همچنین شرایط بیماری در هفته‌های آتی در این زمینه موثر است و باید شرایط شیوع بیماری در کشور بررسی شود./ ایلنا



سعید نمکی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از شناسایی ویروس جهش یافته آفریقای جنوبی، هندی و هیبرید هندی- کالیفرنمایی در کشور خبر داد و گفت؛ در استان هرمزگان سه نمونه محرز شده ویروس جهش یافته آفریقای جنوبی را پیدا کرده بودیم، این سه نمونه به پنج مورد قطعی و موارد مشکوک افزایش یافت؛

شناسایی ویروس هندی، آفریقایی و هیبرید هندی- کالیفرنمایی کرونا در کشور

مورادی که از دید ما تقریباً قطعی است حدود ۳۰ مورد جدید است. نمکی افزود؛ متأسفانه درباره جهش ویروس هندی هم‌رصد مورادی تأیید شد در استان قم سه مورد تأیید شد که از بین هندی‌هایی که در این استان بودند شناسایی کردیم، تمام ارتباطات این افراد را ردیابی و رصد می‌کنیم و تمام این مجموعه را قرنطینه کرده‌ایم.



با وجود تصویب قانون صدور شناسنامه به نام مادران ایرانی سرگردانی مادران و فرزندان همچنان ادامه دارد

در حسرت شناسنامه

حالا بد مادران ایرانی، دل پر تب و تابشان، اشک‌هایی که یواشکی می‌ریزند و فکرهای کج و معوجی که به سرشان می‌زند را فقط خودشان

درک می‌کنند و پس حال ناخوش بچه‌های این مادران، دل پردلشوره و حال متقلب‌شان، ترس‌هایی که دارند و آینده نامعلومی که شده کابوس هر لحظه آنها را فقط خودشان می‌شناسند و مادرها. همه اینها دلشان خوش است به قانونی که مهر ۹۸ شورای نگهبان تصویبش کرد و ۱۳ خرداد سال ۹۹ معاون اول رئیس جمهوری آیین نامه‌اش را ابلاغ کرد و هیأت وزیران نیز با فاصله‌ای اندک، آیین نامه اجرایی آن را به تصویب رساند. یک سال و نیم است که همه این کارها شده، هم قانون اعطای تابعیت ایرانی به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی تصویب شده و هم آیین نامه و شیوه نامه اجرایی آن به تصویب رسیده ولی اغلب کسانی که مشمول این قانون اند، کسانی که با هزار ذوق مدارکشان را جمع و جور کرده‌اند و برای یافتن شناسنامه ایرانی تقلا می‌کنند، هنوز دستشان به شناسنامه نرسیده است. هفت خان رستمی که قانون برای مادران و فرزندانشان تدارک دیده، با تعللی که شیوه مرسوم دستگاه‌های اجرایی است و اطاله دادرسی که در تار و پود بخشی‌های مختلف کشور تنیده شده، به یک قول حتی سنگ اندازی‌هایی که در این راه روی می‌دهد و نگاه‌های بدبینانه به کسانی که به نوعی با مردان خارجی ربط دارند، آقایی است که با وجود قانون روشن و صریح، هزاران نفر را چشم به راه نگه داشته است. شناسنامه برای اینها شده است حسرت و برای داشتن اش دست به هر کاری می‌زنند، حتی التماس می‌کنند و هر روز به ادارات مربوط سر می‌زنند و اگر لازم باشد از گریه و ضجه دریغ نمی‌کنند.



مریم خباز

جامعه

راه پر پیچ و خم صدور شناسنامه

یک آمار رسمی در دسترس است که می‌گوید ۸۱ هزار و ۴۳۶ نفر در ایران متقاضی صدور شناسنامه به نام مادران ایرانی خویش‌اند که از این تعداد ۵۰ هزار و ۵۴۱ نفر به ۱۸ سال نرسیده‌اند و ۳۰ هزار ۸۹۵ هزار نفر بالای ۱۸ سال دارند. آمارهای غیررسمی اما می‌گوید تعداد افراد بی‌شناسنامه‌ای که مادر ایرانی و پدر خارجی دارند به بالای ۱۰۰ هزار نفر می‌رسد که در همه استان‌های کشور پراکنده‌اند. آخرین آمار رسمی که از تعداد شناسنامه‌های صادر شده وجود دارد، مربوط است به آمارهای سخنگوی سازمان ثبت احوال کشور که ۲۷ آذر پارسال، درست شش ماه پس از ابلاغ آیین‌نامه اجرایی قانون، ارائه و تعداد شناسنامه‌های صادر شده تا آن روز را ۸۴ مورد اعلام کرد؛ یک شناسنامه دراصفهان، هشت مورد در زنجان، ۱۹ شناسنامه در زنجان، ۲۲ مورد در همدان و ۱۴ شناسنامه در تهران.

با این‌که سخنگوی ثبت احوال پاسخ تماس‌های ما را نداد و ما نمی‌دانیم از آذر پارسال تا اردیبهشت امسال این عدد چند برابر شده، ولی اخباری که جسته گریخته و استان به استان منتشر می‌شود، حکایت از سرعت گرفتن صدور شناسنامه به نام مادران ایرانی دارد.

این عدد هرچه باشد اما ماجرای بی‌شناسنامه ماندن فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مادران خارجی رشته‌ای است که سری دراز دارد و از آن ماجرا هاست که به قول معروف به نتیجه نمی‌رسد

شرح پریشانی

مهین به قدری اضطراب دارد که صدایش می‌لرزد و به اندازه‌ای مستاصل است که بوی ناامیدی از کلماتش پیداست. داستان ازدواج مهین با شوهر افغانستانی او داستان فریب و تدلیس در ازدواج است. آنها که ازدواج کردند مرد شناسنامه‌ای ایرانی داشت، وارد زندگی که شدند اما ایرانی نبودن شوهر و شناسنامه قلابی‌اش رو شد. همین بهانه طلاق مهین و پس از آن طرد او از سوی خانواده شد. مهین اما مانده بود و یک دختر که باز بهانه‌ای شد برای رجوع به همسر افغانی.

مهین می‌گوید اما این شوهر که شوهر بشو نبود او و دخترش را رها کرد و رفت، بعد هم پیام فرستاد که هر کاری دلت خواست بکن، حتی طلاق. مهین، این‌مادر ۳۳ ساله ایرانی در یکی از شهرستان‌های استان تهران اما ماه‌هاست فقط به امید شناسنامه‌دار شدن دخترش نفس می‌کشد. نفس او بند است به دختر ۱۰ساله‌اش که تا امروز بدون شناسنامه، با پاسپورتی که مهین سال‌ها پیش با هزار رنج برای او گرفته تحصیل می‌کند و با این‌که پرونده‌اش هیچ نقص مدرکی ندارد ولی پس از هفت ماه

مگر این که دم شتر به زمین برسد.

صدور شناسنامه برای افرادی که سال‌هاست بی‌هویت و بی‌تابعیت لقب دارند و تک‌تک لحظات‌شان را زیر سایه این القاب گذرانده‌اند، فرآیند پیچیده و وقتگیری است. مرحله اول، ثبت نام در سایت اداره کل امور اتباع و مهاجران خارجی است. ثبت نام که انجام شد نوبت به تماس دفتر کفالت) دفاتر خدمات اقامت و اشتغال اتباع خارجی) با متقاضی می‌رسد. تماس که برقرار شد استعلام از ثبت احوال در مورد اسناد سجلی مادران ایرانی به جریان می‌افتد. ایرانی بودن مادران که مسجل شد نوبت به بررسی مدارک می‌رسد و اگر نقصی وجود داشته باشد به اطلاع متقاضی می‌رسد. نقص مدارک که رفع شود، پرونده از دفتر کفالت به اداره کل امور اتباع می‌رود و پس از انجام استعلام از مراجع امنیتی، اگر پاس‌سخ این مراجع مثبت باشد، متقاضی به سمت دریافت گواهی عدم سوء پیشینه هدایت می‌شود و اگر در این مورد هم مشکلی وجود نداشته باشد پرونده‌ها برای صدور شناسنامه به ثبت احوال فرستاده می‌شود. روی هم رفته ۱۰ مرحله پیش پای متقاضیان دریافت شناسنامه قرار دارد که نوشتن‌شان آسان است ولی گذر از یک مرحله به مرحله دیگر هفته‌ها و ماه‌ها زمان می‌برد. اکنون ماه‌هاست بخش بزرگی از مادران ایرانی و فرزندان‌شان که داشتن شناسنامه را رویای محقق شده خویش می‌دانستند در پیچ و خم این مراحل گیر افتاده و به‌ویژه از نقص مدارک رنج می‌برند. آنها هم که نقص مدرک ندارند تا آنجا که ما کسب اطلاع کرده‌ایم بسته به این که در کدام شهر زندگی کنند و ادارات آن شهر تا چه حد سرعت عمل داشته باشند، وضع و حالی متفاوت دارند.

هنوز با او تماس نگرفته‌اند تا بداند تکلیفش بالاخره چیست. سسمیرا اما یکی از صدها مادران ایرانی است که نقص مدارکش نه فقط مربوط به او که مادر و مادر بزرگش هم که با مردان افغانستانی ازدواج کرده‌اند نه شناسنامه ایرانی دارند و نه عقدنامه‌ای که ازدواج قانونی‌شان را ثابت کند. زنان دو نسل قبل از او، از تولد تا مرگ بی‌شناسنامه زیسته‌اند و خودش هم که شناسنامه ندارد مثل یک مشکل مادرزا، بی‌شناسنامه‌گی را به دخترش منتقل کرده است. سسمیرا بعد از تصویب آیین نامه اجرایی قانون اعطای شناسنامه به مادران ایرانی، از همان روز اول دست به کار شده ولی نقص مدرک دست از سرش برنمی‌دارد و او که راه به جایی ندارد هر شب و هر روز به حال دخترش می‌گرید.

بی‌شناسنامه بودن یعنی که نیستی، یعنی که به حساب نمی‌آیی

و با این‌که هستی دیده نمی‌شوی. نه حق تحصیل داری، نه

حق داشتن پاسپورت، نه گواهینامه رانندگی و نه هر چیزی که

شناسنامه دارها دارند. اینها علاوه است به پدر خارجی که به

احتمال زیاد ترک‌ت کرده و اگر هست بودنش فایده ندارد و البته

مادری که گریه تو را به ندان گرفته و با خون دل بزرگ کرده اما در

مقایسه با موانع کردن کلفت، هیچ است هیچ.

وی ادامه داد: متأسفانه در استان آذربایجان غربی در ماکو و شوط در مجموعه‌ای که توسط کارگران هندی اداره می‌شد، حداقل ۱۰ مورد جدید را پیدا کردیم که این ۱۰ مورد یک نوع ویروس هیبرید هندی کالیفرنمایی است که یکی از بدترین انواع سوغاتی‌هایی است که می‌شد برای جمهوری اسلامی آورد./ ایرنا

موانع، جدی است

به تعداد زنانی که شوهر اتباع دارند و به شماره فرزندان‌ی که پدران‌شان ایرانی‌اند، مشکل بر سر راه صدور شناسنامه به نام مادران ایرانی ایستاده است. در این بین کسانی هستند که مهم‌ترین این مشکلات را رصد و دسته بندی می‌کنند و اگر بتوانند برای رفع این موانع می‌کوشند.

مهديه فراهانی که وکیل دادگستری است، کسی که برای متقاضیان مشکل دار و اغلب بی‌سواد، پرونده تشکیل می‌دهد و گرهِهای حقوقی کار را باز می‌کند به ما توضیح می‌دهد که عمده مشکل این افراد اثبات نسب و اثبات زوجیت است.

اثبات نسب یعنی این که ثابت شود مادری که مدعی داشتن فرزندان‌ی است واقعا مادر این بچه هاست و اثبات زوجیت یعنی این که این زن ثابت کند با مردی خارجی ازدواج کرده است.

مهديه فراهانی می‌گوید برای اثبات نسب، مادران و فرزندان به پزشکی قانونی معرفی می‌شوند تا آزمایش ژنتیک از آنها گرفته شود، درحالی که بیشتر این افراد آه ندارند تا با ناله سودا کنند. به روایت او چندی پیش یک مادر و سه فرزند با تخفیفی که دفتر حمایت از زنان برای آنها لحاظ کرده بود نفری ۸۰۰ هزار تومان را به زحمت جور کردند، پولی که هنوز برای خیلی‌ها درشت است و چون از پس تامین آن برنمی‌آیند از اثبات نسب جامی‌مانند.

این وکیل دادگستری البته می‌گوید پیچیده‌تر از اثبات نسب، اثبات زوجیت است چون بیشتر مادران ایرانی شفاهی عقد شده‌اند و هیچ مدرکی برای اثبات ازدواج خود ندارند. از این رو وی چندان امیدی به صدور شناسنامه برای این دسته از متقاضیان ندارد و معتقد است از ۸۰ پرونده‌ای که او و همکارانش رویشان کار می‌کند تا ۷۰ درصد به نتیجه نخواهند رسید.

البته مهديه فراهانی مشکلات مادران ایرانی و فرزندان بلا تکلیف آنها را به این دو مانع محدود نمی‌داند و دریافت استعلام از نهادهای امنیتی را وقت گیرترین بخش کار می‌داند. او می‌گوید اگر به جای استعلام از دو نهاد امنیتی، به یکی از آنها بسنده می‌شد کارها سریع‌تر پیش می‌رفت. درمورد موانع پیش روی این افراد اما حرف و حدیث بیش از اینهاست. پیمان حقیقت طلب، مدیر پژوهش انجمن دیاران، تشکیلات مردم نهادی که هدفش تسهیل رزست مهاجران در ایران است و چند سالی است که به طور ویژه بر موضوع مادران ایرانی تمرکز دارد، درگفت و گو با ما گرچه تأکید می‌کند که عده زیادی تا امروز موفق به دریافت شناسنامه شده‌اند و معتقد است این موضوع نباید نادیده گرفته شود اما از برخی مشکلات جدی حرف می‌زند.

او ضمن تأیید طولانی شدن روند استعلامات امنیتی و نیز کندی روند اجرای قانون به‌ویژه در استان‌های خراسان رضوی، قم، گلستان و سیستان و بلوچستان به محروم شدن نسل دوم و سوم مادران ایرانی از صدور شناسنامه اشاره می‌کند.

حقیقت طلب می‌گوید: مساله بی‌شناسنامه‌گی فرزندان با مادر ایرانی قدمتی حداقل ۳۰ساله دارد و در حال حاضر با افرادی مواجهیم که مادر بزرگ آنها ایرانی است و شناسنامه دارد و با فردی خارجی ازدواج کرده و حالا نه تنها فرزندش بلکه نوه او هم بی‌شناسنامه است.

طبق آیین نامه‌ای که تدوین شده این افراد همچنان از دریافت شناسنامه محروم‌اند و این معضل باقی مانده است. علاوه بر این در صورتی که یک دختر مادر ایرانی و پدر خارجی شناسنامه بگیرد و با فردی غیرایرانی ازدواج کند، مطابق آیین نامه فرزندش بازهم حق دریافت شناسنامه را نخواهد داشت.

عده‌ای سنگ اندازی می‌کنند



روژینا و هلیا، دو دختری بودند که روز ۲۴ آبان سال ۹۹ به نام مادر ایرانی آنها برایشان شناسنامه صادر شد. اینها دو نفر اول در کشور هستند که به خاطر داشتن پدر خارجی، شناسنامه ایرانی‌شان به نام مادر صادر شد. دنیا و دیانا هم فرزندان مادر ایرانی ساکن در استان سمنان هستند که ۹ دی پارسال اولین دارندگان شناسنامه ایرانی در این استان لقب گرفته‌اند. این چهار نفر نماینده یک جمعیت چند صد نفری‌اند که از زمان تصویب قانون تاکنون در سراسر کشور موفق به دریافت شناسنامه شده و از رنج بی‌هویتی خلاص شده‌اند. اما در ازای این جمعیت، جمعیتی به مراتب بزرگ‌تر وجود دارد که هنوز در پیچ و خم کار سرگردانند. چرایی این سرگردانی را که از حسین احمدی، مدیرکل اداره امور اتباع خارجی استان خراسان رضوی به عنوان استانی که یکی از پرگرایه‌ترین استان‌هاست، جویا شدیم او مهم‌ترین دلیل را نقص مدارک عنوان کرد و به خبرنگار استانی جام جم گفت: بیشتر ازدواج‌های زنان ایرانی با مردان خارجی مربوط به سال‌های قبل است که عمدتاً گواهی ثبت قانونی ندارند و شوهران نیز فاقد مدارک اقامتی هستند که این موضوعات روند صدور شناسنامه را طولانی می‌کند. او البته به‌طور مستقیم، درباره تعلل‌هایی که در مشهد، متقاضیان را گله‌مند کرده، توضیحی نداد ولی گفت از ابتدای سال تاکنون ۴۷ شناسنامه به نام مادران ایرانی صادر شده است. کوچکی این عدد وقتی به چشم می‌آید که بدانیم او در آماری که به جام جم ارائه کرد، شرح داده تا به حال بیش از ۱۱ هزار مادر ایرانی متقاضی دریافت شناسنامه شده‌اند که با فرض هر مادر، سه فرزند، تعداد متقاضیان به بیش از ۳۳ هزار نفر می‌رسد.

چرایی سرگردانی متقاضیان را با جلیل رحیمی جهان‌آبادی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس که در میان گذاشتیم اما او حرف‌های دیگری داشت. او که پیش از این درباره طولانی شدن استعلامات، نامه‌ای خطاب به رئیس جمهوری نوشته بود به جام جم می‌گوید: آن نامه را جواب ندادند. آیین‌نامه‌ای که دولت نوشته نیز مسائل و مشکلات را حل نمی‌کند، به استعلامات هم پاسخ نمی‌دهند و از متقاضیان می‌خواهند مدارک هویتی پدرخارجی را از کنسولگری‌ها بگیرند که اینها نیز مدرکی تحویل نمی‌دهند و پاسخگو نیستند. خلاصه خیلی‌ها سرگردان شده‌اند و گویا نهادهای امنیتی، نیروی انتظامی و وزارت کشور هم اراده‌ای برای اجرای قانون ندارند و تشخیص‌شان این است که با اجرای قانون، مشکلاتی پیش می‌آید و در نتیجه سنگ اندازی می‌کنند.

اما اگر ماجرای سنگ اندازی‌ها درست باشد پس به حال متقاضیان و قانونی که جدی گرفته نمی‌شود باید دل سوزاند، اگرهم سرگردانی‌ها به واسطه تعلل و وقت‌کشی‌های مرسوم است که باید هرچه زودتر فکری به حالش بشود چون بی‌شناسنامه‌گی که مترادف است با بی‌هویتی در حال آزردن خیلی‌هاست.